هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



ما با ملت شوروی دشمنی نداشتیم بلکه، با سیاست آن مملکت که اشغال کشورمان به اساس آن صورت گرفته بود، مخالف بودیم.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ سی و هفتم ۷ جدی ۱۳۹۲ ۲۴ صفر المظفر ۱۴۳۵- 28 December 2013

۶ جدی
فراز و فرود تجاوز و تغییر مهره ها

□ **فقیری**

یک بار دیگر روز تاریخی و تباهکن ۶ جدی در پی تجاوز ها و تلاش های ممتد به خاطر تجاوز بر خاک قهرمانان و سلحشوران مجاهد دنیا، افغانستان عزیز فرا می رسد...

این روز بزرگ و فراموش ناشدنی در تاریخ افغانستان، منطقه و جهان است. روزی است که اردوی متجاوز و اشغالگر شوروی سابق که جمهوریت های مسلمان نشین و سایر مناطق را در سال های روسیه تزاری و بعد شوروی به تصرف در آورده و گویا هضم کرده بود، در پی آن شد تا جهاد مردم مسلمان و قهرمان کشور ما را با زور اسلحهٔ مدرن و ده ها هزار عسکر و تانک و طیاره، درهم شکند و مزدوران دیرین خویش را که به شوروی پناه برده بودند، همراه با لشکر سرخ جهانخوار به افغانستان وارد کنند و ببرک و نجیب را به قدرت برسانند!

۶ جدی روزی سیاه و ننگین در تاریخ شوروی و حزب دموکراتیک خلق بود... این روز دنیا را تکان داد و ابر قدرت های غیر شوروی را لرزاند! امریکا با همه قدرت و نیروی نظامی و تسلیحاتی، اعلام کرد که «بس است» یعنی شوروی ها با اشغال افغانستان باید پارا فراتر نگذارند و پیشروی نکنند! امریکا فکر می کرد که نیروی مقاومت در افغانستان، توان مقابله با هجوم سیل آسای اردوی سرخ را ندارد و به زودی در برابر قوای تجاوز زانو خواهد زد.

پاکستان و سایر کشور ها نیز ما جرای افغانستان را خاتمه یافته تلقی کرده و سفرهای ص۷



صلاح الدین ربانی با آقای جان ایلسن معاون سرمنشی سازمان ملل دیدار و گفتگو نمود



هفتهٔ گذشته محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی ا فغانستان و رئیس شورای عالی صلح به امریکا سفر نموده بود. در ادامهٔ این سفر رسمی با آقای جان ایلسن، معاون سرمنشی سازمان ملل متحد نیز دیدار کرد. در این ملاقات بالای موضوعات مختلف از جمله گفتگوهای صلح و انتخابات ریاست جمهوری آینده، بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

در جریان این سفر رئیس شورای عالی صلح با خانم جیری انتنر، مؤسس بنیاد اجتماعی صلح در واشنگتن نیز دیدار کرد. طرفین روی پروسهٔ صلح، پیچیدگی و اهمیت آن به تبادل نظر پرداختند. این بنیاد برای ترویج فرهنگ صلح در میان اطفال فعالیت دارد.

رئیس شورای عالی صلح از خانم جیری انتنر خواست با استفاده از تجربه ها در زمینه های صلح مردم افغانستان را همکاری کند.

مجلس نمایندگان به پنج وزیر و دو عضو ستره محکمه رأی تایید داد

□ **اندیشه**

مجلس نمایندگان صلاحیت پنج وزیر پیشنهادی حامد کرزی را تایید کرد. آقایان ضرار احمد عثمانی، با گرفتن ۱۸۳ رأی تأیید وزیر خارجه، دین محمد مبارز راشدی با گرفتن ۱۶۶ رأی تأیید وزیر مبارزه با مواد مخدر، شاکر کارگر با گرفتن ۱۶۳ رأی تأیید وزیر تجارت، محمداکبر بارکزی با گرفتن ۱۶۴ رأی تأیید وزیر معادن، محمدعارف نورزی باگرفتن ۱۷۷ رأی تأیید وزیر انرژی و آب شدند.

در همین حال دین محمد گران با گرفتن ۱۴۶ رأی تأیید و عبدالقادر عدالتخواه با گرفتن ۱۶۰ رأی تأیید، عضویت شورای عالی دادگاه عالی کشور را بدست آوردند.

در رأی گیری که به روز چهارشنبه ۴ جدی صورت گرفت، پس از شمارش آراء عبدالرووف ابراهیمی رئیس مجلس نمایندگان نتایج فوق را اعلام نمود.

حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان در هفتم عقرب این افراد را به عنوان سرپرست این وزارت‌ها معرفی کرده بود. پس از آن که زلمی رسول وزیر پیشین امور خارجه از مقامش برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری استعفا کرد، آقای عثمانی از وزارت مبارزه با مواد مخدر بجای او تعیین شد و آقای راشدی به عوض او از معاونیت وزارت اطلاعات و فرهنگ به وزارت مبارزه با مواد مخدر رفت. همچنین پیش از آقایان کارگر، بارکزی و نورزی، به ترتیب انوارالحق احدی، وحیدالله شهرانی و محمد اسماعیل خان در سمت‌های وزارت‌های تجارت، معادن و انرژی و آب کار می‌کردند که آنها هم برای شرکت در انتخابات استعفا کردند.

در فهرستی که آقای کرزی به تاریخ ۳۰ قوس به مجلس ارائه کرد، دین‌محمد گران و عبدالقادر عدالتخواه به عنوان اعضای شورای عالی دادگاه عالی معرفی شده بودند.

نامزدانی که صلاحیت‌های آنها از سوی مجلس نمایندگان تائید شد، حدود چهار ماه آینده در این سمت‌ها در حکومت آقای کرزی کار خواهند کرد.

تجاوزی که به شکست انجامید ص۲

۶ جدی ۱۳۵۸ و اثرات منفی آن در حیات سیاسی افغانستان ص۲

د مرغومي شپږمه د قطبي ښکېلاک د ماتې پېلامه ۵مخ

به بهانهٔ ۶ جدی، سالروز تجاوز شوروی به افغانستان

نگاهی به کتاب « غوغائی بر بام جهان» ص۳



له ښځو سره د تاؤ تریخوالي ډېرښت او لاملونه یی ۴مخ

افکار عمومی در پیوند به امضای سند امنیتی ص۵

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

تجاوزی که به شکست انجامید

ملت های متحد و یکپارچه، بیدار و با انگیزه، در طول تاریخ از میان حوادث موفق و سرافراز بدرآمده اند و زیر بار ظلم و فشار زورمندان نرفته اند، و در برابر هرگونه نابسامانی ها و استبداد نه گفته اند، از جان و مال شان صادقانه گذشته اند، تا درفش پرافتخار آزادی و آزاد زیستن را کمایی نمایند.

روز گذشته، ششم جدی بود، درین روز در سال ۱۳۵۸ هـ . خ که ۳۴ سال از آن می گذرد، ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی وقت با تمام امکانات، به امید اشغال بر حریم کشورما حمله ور شد. مردم شجاع و متدین کشورما در طول ادوار تاریخ در برابر هر متجاوزی، با متانت و مردانگی قد علم کرده اند، که رویدادهای تاریخی گذشته را می توان از ورای صفحات تاریخ دریافت. اما درمورد تاریخ چهار دههٔ اخیر اکثریت باشندگان کشورما شاهد زندهٔ رویدادها و حوادث اند.

زمانی که رژیم دست نشاندهٔ اتحاد جماهیر شوروی سابق – خلق و پرچم- بقدرت سیاسی کشور تکیه زدند قدرت چشم های شان را کور و گوش های شان را کر ساخت، بدون درنظرداشت نبض دینی و اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان، با اعمال نابخردانهٔ شان، در برابر واکنش شدید مردم قرار گرفتند، رژیم دست نشانده به گمان اینکه با کشتن و بستن و به زندان افگندن، می توانند مردم را سرکوب و بقدرت شان ادامه دهند، اما غافل از اینکه دست زدن به چنین اعمال، در بسیج مردمی کمک کرد.

بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ قشون سرخ تا دندان مسلح، در حمایت از گروه های الحادی خلق و پرچم، از زمین و هوا به کشور ما هجوم آورد و نُه سال با همه امکانات پیشرفتهٔ نظامی و آنچه در توان داشت، در برابر مردم مسلمان افغانستان به حملات شان ادامه دادند اما سرانجام توسط ملتی که هدف قیام و مقاومتش به خاطر دفاع از ارزش ها، مقدسات دینی، حصول آزادی، استقلال و تمامیت ارضی بود از یکسو، و از جانب دیگر رهبری سالم و فشار های جامعهٔ جهانی سبب شد تا این نیروی تا دندان مسلح و دارای ساز و برگ پیشرفتهٔ نظامی از پا درآمد و سرانجام به تاریخ ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ هجری خورشیدی، بعد از تلفات جانی و اقتصاد ورشکسته، محکوم به شکست گردید و در پی آن از هم پاشید و آن قلمرو بزرگ تجزیه شد.

شکست پرقدرت ترین کشور جهان (اتحاد شوروی اسبق) در آن عصر، مرهون ایثار و فداکاری همه باشندگان کشور است. که همه متحدانه و آگاهانه دست به دست هم داده، در سرنگونی متجاوزین سهم بسزایی را ایفاء کردند که به یاری خداوند (ج) و همت و ایستادگی مردم مسلمان افغانستان، پوز متجاوز به خاک مالیده شد و کشور و مردم ما از این آزمون پیروز بدر آمدند.

در حالی که هرگونه تجاوز و مداخله در حریم کشورمان را به شدت نکوهش و تقبیح می نماییم، خاطرهٔ همه شهدای دوره های جهاد و مقاومت و مبارزه با تروریزم را گرامی می داریم. از دولت، رهبران جهادی و فرماندهان مطرح دوره های پر افتخار جهاد، مقاومت و مبارزه با تروریزم می طلبیم، تا پیروزی و موفقیت مجاهدان را که مایهٔ سربلندی و افتخار کشور و باشندگان آنست، ارج بگذارند و در بزرگداشت و تقبیح روزهای تاریخی و ملی کوتاهی نه نماید، تا نسل های امروز و فردای کشور در جریان رویدادهای واقعی قرار گیرند. همانطوری که استاد شهید گفته بود: "قیام های که در تاریخ افغانستان در دوره های جهاد صورت گرفته، سرمایه های ملی و افتخارات تاریخی ماست که نباید فراموش شوند، بلکه به عنوان یک درس به نسل های آینده منتقل شوند."

۶ جدی ۱۳۵۸
و اثرات منفی آن در حیات سیاسی افغانستان



□ عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

۶ جدی و سایر بحران های سیاسی در افغانستان بستگی به حاکمیت ۴۰ سالهٔ محمد ظاهر شاه دارد. بعد از ختم جنگ جهانی دوم، حصار حاکمیت و حکومت های ملی در جهان فرا گیر شد و احزاب سیاسی به فعالیت های خویش آغاز نمودند. در این برهه های تاریخی آنچه جامعهٔ جهانی؛ به ویژه اروپا، امریکا و سایر کشور ها از آن استفاده نمودند، کشور ما از آن بی بهره ماند. از دههٔ دموکراسی یک اقلیت بی ریشه در کشور بهره بردند، که نتیجه اش خون و آتش و ناامیمون می باشد. در نتیجهٔ آزادی های بی حد و حصر این دوره گروه های چپ دموکراتیک بدون خوف و هراس به فعالیت های خویش آغاز کردند و این گروه در لایه های مختلف جامعه؛ به ویژه در میان اردو و به نفع اتحاد شوروی شمشیر می زدند و منافع این کشور بالاتر از هر چیز دیگر در نزد این گروه بود.

کفر گویی تا هنجار شکنی های دینی و اخلاقی در کشور جرم محسوب نمی گردید، به زعم آنها دههٔ دموکراسی این اجازه را به آنها داده بود. در حالی که تجاوز بر ثوابت هر جامعه، ارزش های ملی و اسلامی قطعاً قابل پذیرش نیست. این درک دموکراسی در دههٔ ۴۰ در افغانستان بود. این گونه تلقی ها در نتیجهٔ نبود قانون احزاب، فعالیت های احزاب، اندازه صلاحیت ها، برنامه های آنها، هزینهٔ مالی و ایدیالوژی آنها به وجود آمده است.

احزاب در دههٔ دموکراسی بدون قانون فعالیت می نمودند. احزاب در برابر هیچ نهاد دولتی پاسخگو نبود. فعالیت های چپ دموکراتیک در افغانستان در آن زمان کشور را در یک هاله یی از تردید و نا باوری قرار داده بود. فعالیت های این گروه های غیر قانونی که اکثریت شان از سواد کافی بی بهره بودند و یک شعار می دادند، که دین افیون ملت ها است و دولت به هر شیوهٔ ممکنه باید حذف شود و بهترین راه و روش سیستم و پیروی از اتحاد شوروی می باشد. شعار های این احزاب افراطی، نسل جوان را تخدیر می نمود.

نشراتی به نام "خلق و پرچم" که نام گروه خود را بالا آن گذاشته بودند مملو از بحث های مثل سوسیالیزم علمی، جامعه بی طبقه، حکومت پرولتاریا و تمجید حکومت اتحاد شوروی بود. این گونه نوشته ها در میان جوانان توزیع می گردید و جوانان خواستار یک تغییر اساسی در کشور خود بودند، تا در زنده گی آنها یک نوع تغییر به وجود آید. مردم به ویژه نسل جوان تشنهٔ تغییر بودند و از زمان مشروطیت اول افغانستان که از عهد حبیب الله آغاز گردیده بود چنین انتظار در کشور وجود داشت.

جالب اینجا است که رهبران حزب دموکراتیک خود را از مدافعان و پیروان جنبش مشروطیت می دانستند، در حالی که جنبش مشروطیت یک جنبش اصلاحی بود نه انقلابی. نا رضایتی از دربار، بیکاری شعار این گروه را در میان مردم رسوخ داد و این گروه حق ناشناس و نمک حرام بر نیت پاک و شریفانهٔ مردم استفادهٔ نا درست نمودند.

در ۷ ثور ۱۳۵۷ یک تعداد خورد ظابتان بی سواد که در میان ارتش نفوذ کرده بودند به کودتا دست یازیدند؛ زیرا اردو در آن وقت چندان به نظام وفادار نبودند. رهبری اردو با بدنهٔ پایین ارتش فاصلهٔ زیاد داشت، فرماندهان اردو که فقط به خاطر حفظ کرسی موروثی خود، می اندیشیدند، و با سربازان و قدمه های پایان ارتش سر و کار نداشتند. به هر صورت کودتای ۷ ثور ترسب و نتیجهٔ عقب مانده گی های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور بود، و در نتیجه بی تفاوتی دولت در برابر این نوع حرکت های غیر قانونی به آنها جرئت بخشید تا در میان مردم و اردو نفوذ نمایند.

در متن و برنامهٔ کودتای ثور، هیچ نوع برنامه ملی و انسانی وجود نداشت و رهبران این کودتا چیزی به نام هدف این کودتا گفته نمی توانستند. آنها جز شعار، بستن و کشتن چیزی دیگری در آستین نداشتند. در نتیجه حرکت های غیر انسانی آنها ظرف کمتر از یک سال بسیج عمومی در سرتاسر افغانستان تشکل یافت و نظام در حال سرنگونی و سقوط قرار گرفت. گروهی که خود را حزب دموکراتیک می خوانند، قادر به رهبری کشور نبودند. در این میان پاکستانی ها کوشش می نمودند تا قدرت را میان طرفداران خویش و رهبران حزب دموکراتیک تقسیم نمایند، ملاقات های میان حفیظ الله امین و چهره های سیاسی پاکستان در آن وقت در پغمان صورت گرفت. این کار اتحاد شوروی را به خشم آورد و به زیرکی خاصی که جناح پرچم، و به ویژه ببرک کارمل داشت، حفیظ الله امین را مزدور امریکا خواند و جانب مسکو را راضی ساخت که نظام به سقوط نزدیک شده است و اگر اتحاد شوروی کمک نکند، دیگر افغانستان در نقشهٔ سیاسی جهان وجود نخواهد داشت.

بی مورد نیست که جناح پرچم اشغال افغانستان را توسط اتحاد شوروی اسبق، به نام نجات انقلاب در افغانستان می خواندند. شوروی ها از سقوط نظام در افغانستان می ترسیدند، و این ترس آنها را مجبور ساخت تا افغانستان را اشغال نمایند و در شب ۶ جدی افغانستان از راه زمین و هوا مورد هجوم قرار گرفت و فضای کابل مملو از طیاره های اتحاد شوروی وقت بود. افغانستان دیگر در اشغال بزرگ ترین قدرت جهانی قرار گرفت و بعد از جنگ جهانی دوم و جنگ ویتنام، مردم جهان شاهد بزرگ ترین جنگ طولانی، اشغال، مقاومت، تخریب و کشتار دسته جمعی مردم یک سرزمین بودند.

در این اشغال نه تنها افغانستان تلفات سنگین پرداختند و میزان شهداء و معلولان به میلیون ها تن منجر گردید و به همین پیمانه مهاجرت ها صورت گرفت، که رقم مهاجران جهانی را به خود کسب نمود. تبعات منفی اشغال افغانستان تا هم اکنون وجود دارد. این اشغال در مقاطع بعدی اشغال های دیگری را نیز به دنبال داشته است، طوری که این کشور تا هنوز نتوانسته است بر سر نوشت خویش حاکم گردد. امروز مردم به امید یک روزنهٔ امید برای فردای خویش نشسته اند. از سوی دیگر کشور های دور و نزدیک و وابستگان آنها در داخل کشور، با چنگ و دندان به خاطر انتقام نشسته اند.

ابوبکر سبزوار

به بهانهٔ ۶ جدی، سالروز تجاوز شوروی به افغانستان

نگاهی به کتاب «غوغائی بر بام جهان»

با نام ابوالولید مصری از زمان جهاد آشنا بودم. بسیاری از مجاهدین عرب که برای سهم گیری در جهاد افغانستان علیه اتحاد شوروی به پاکستان و از آنجا به افغانستان آمدند در آن زمان نام های مستعار داشتند و نام هائی چون ابوالولید نیز از نظر بسیاری از مجاهدین نام مستعار بشمار می آمد.

مدتی قبل کتابی به نام «غوغائی بر بام جهان» به قلم ابوالولید مصری بدستم رسید. نویسندهٔ نام آشنائی که سال ها بعد نامش را بخاطر آوردم. کتاب در سال ۱۳۹۰ در تهران به چاپ رسیده و خاطرات نویسنده از دوران جهاد افغانستان را به رشتهٔ تحریر آورده است. نگاهی به جلد کتاب به من فهماند که نام اصلی کسی که لااقل من وی را به نام ابوالولید می شناختم، مصطفی حامد بوده و شاید دلیل این نا آگاهی من نیز شناخت کم من در آن زمان در مورد مجاهدین عرب بوده است.

کتاب در اصل به زبان عربی نوشته شده و «موسسهٔ نشر و تحقیقات ذکر» در ایران آنرا به دست نشر سپرده است. کار برگردان آن از عربی به فارسی را چهار مترجم بدوش داشته اند. کتاب بزرگی با حجم بیش از ۱۳۰۰ صفحه که می توان آنرا روایت و تحلیلی کارشناسانه از جهاد افغانستان بشمار آورد.

وقتی مصطفی حامد نخستین بار به افغانستان پا می گذارد، با این سوال مواجه می شود که چرا به افغانستان آمدی؟ بعبارهٔ دیگر وقتی قضیهٔ فلسطین وجود دارد، تو بعنوان یک فرزند عرب چرا باید در افغانستان به جهاد بپردازی، جواب مصطفی ابوحامد تجربه ای است که او از دنیای عرب دارد که توضیح می دهد:

«افغان ها شعار جهاد را سر دادند و این شعار، مقاومت آنها را شعله ور ساخت و همدردی و اعلام همبستگی مسلمانان در هر نقطه از جهان را برای آنان به همراه آورد.

از آنجا که نسل ما اخیراً دریافته است جنگ های اعراب و اسرائیل فقط جنگ های یک جانبه هستند که حکومت های عربی- که جز با موافقت و همکاری قدرت های غربی قدرت را در دست نمی گیرند- برای تحمیل شکست بر ملت های عربی- که جز با موافقت و همکاری قدرت های غربی قدرت را در دست نمی گیرند- برای تحمیل شکست بر ملت های عرب و تثبیت حاکمیت اسرائیل بر منطقه در این باره با هم تبانی کرده اند، به همین دلیل این حکومت ها نیز ملزم شده اند که علیه اسلام وارد عمل شوند و برای تضعیف و ریشه کن کردن آن از منطقه اقدام کنند تا ثبات و سلطه یهودیان بر منطقه آسان شود.

با وجود وسعت کم اسرائیل و جمعیت اندک یهودیان، آنها توانسته اند ارادهٔ خود را بر منطقه تحمیل کنند و سپاهیان ما به سرعت شکست می خورند و در میدان های جنگ در برابر آنها پا به فرار می گذارند و اگر با اسرائیل وارد نبرد شوند، فقط چند روز بیشتر طول نمی کشد و پس از آن سیلی از موافقتنامه ها و پیمان های صلح آغاز می شود. ملت های عرب عقیده و آرمان شان تضعیف شده و روحیهٔ شان از دست رفته است و در مقابل آدامهٔ زنده گی خفت بار شان به هر چیزی تن در می دهند.

پس افغانستان ظاهر شد تا تصویری کاملاً متناقض نسبت به تصویر اسفبار کشور های عربی ارائه دهد. در افغانستان ملتی خشن، با ارده و مصمم زنده گی می کنند که به خاطر اسلام می جنگند و خطر هائی را تحمل می کنند که کوه ها از تحمل آن عاجز اند و شگفت انگیز تر اینکه آنها در جنگ علیه قدرتمند ترین ارتش های روی زمین، یعنی ارتش شوروی به موفقیت هائی هم دست می یابند.

این تصویر، تصویری کاملاً متناقض نسبت با وضعیت کنونی ما و رویائی است که مسلمانان را اغفال می کند که سرانجام محقق خواهد شد. گمان کرده بودیم که امید و آرزوی ما در حال تحقق یافتن است و بزودی سپاهیان فتح اسلامی از افغانستان به تاخت و تاز در می آیند. به همین سبب من و صدها و هزاران جوان دیگر راهی افغانستان شدیم تا حماسهٔ عرب در افغانستان به عنوان یکی از ارزشمند ترین تجارب جدید اسلامی مان آغاز شود.» ص ۱۵

مصطفی حامد در آغاز کتاب از مصیبت سلطهٔ استعمار در جهان عرب می گوید و از اینکه چرا مجاهدین عرب در جهاد افغانستان از تجربهٔ شکست در فلسطین تجربه نیاموختند، بعنوان یک اشتباه جبران ناپذیر شکوه دارد. او می نویسد:

«جنگ فلسطین در سال ۱۹۴۸م. تجربهٔ ارزشمند و سرشار از درس عبرت برای جنبش اسلامی بود ولی متاسفانه هنگامی که مسلمانان وارد تجربهٔ افغانستان شدند، از آن درس ها استفاده نکردند و نه تنها اشتباهات را تکرار کردند، بلکه برآن افزودند و سرانجام، تقریباً با همان شیوه اما البته با تغییراتی متناسب با تحولات زمانی و مکانی و شرایط محیط، دچار همان شکست ها و ضربات دردناک شدند.

بریتانیا تنها قدرتی بود که بر تمام حکومت های عربی استیلا یافته و اکثر دولت های پیرامون فلسطین را به اشغال خود درآورده بود. بریتانیا برنامهٔ خود در فلسطین و در جنگ ۱۹۴۸م را از طریق حکومت های مرتد منطقهٔ عربی که با هفت لشکر وارد جنگ شدند، به مرحلهٔ اجرا گذاشت و در قضیهٔ افغانستان، امریکا از سال ۱۹۸۱م. تنها قدرت حاکم در جنگ افغانستان بود. این کشور همراه با گروهی از حکومت های مرتد به ویژه حکومت عربستان سعودی و پاکستان اقدام کرد و اهرم های او در صحنه افغانستان احزاب افغانی موسوم به «سازمان های جهادی» متشکل از هفت سازمان بود. این تعداد به اندازه تعداد لشکر هایی بود که تحت فرماندهی ژنرال "جلوپ پاشا" انگلیسی وارد جنگ فلسطین شدند. سازمان جاسوسی امریکا از طریق سازمان جاسوسی پاکستان "ISI" که ضیاء الحق آن را در سال ۱۹۷۹م. با هدف دخالت در افغانستان تاسیس کرده بود، تا حدود زیادی عملیات رزمی در افغانستان را تحت کنترول خود درآورده بود.» ص ۱۷

از نظر نویسنده، امریکا در تلاش بود تا جهاد افغانستان را نیز مانند فلسطین تحت سلطه کامل خود در آورد اما امریکا نتوانست آنگونه که بریتانیا نفوذ خود را بر هفت لشکر عربی برهبری ژنرال های کافر در فلسطین گسترده بود، در افغانستان نیز بگستراند. اما به این دلیل در این کار توفیق نیافت که:

«... اما به زیر سلطه درآوردن ملت افغانستان به دلیل داشتن روحیهٔ رزمی و بافت قبیله ای و کار آزمودگی در جنگ و تعصب مذهبی، کاری بس دشوار بود. به همین دلیل، نیروهای اسلامی مخلص در افغانستان علی الرّغم رنج و سختی ای که متحمل شدند، توانستند شوروی را شکست دهند و به دنبال آن رژیم کمونیستی در کابل سرنگون شود. تمام اینها باوجود تلاش های امریکا صورت گرفت، امریکائی که می خواست نتیجهٔ "نه غالب نه مغلوب" را به چنگ آورد و حکومتی سکولار تشکیل دهد که حکومت را تحت نفوذ مشترک شوروی و امریکا رهبری کند.»

***

کتاب «غوغائی بر بام جهان» بار دیگر خاطرات دوران جهاد را در ذهن من زنده کرد. من نیز مانند بسیاری از دوستان در دوران جهاد در پیشاور شاهد تحولاتی بودم که بعدها دنیا را تغییر داد. بعنوان مثال این مسئله که القاعده چگونه بمیان آمد، چرا میان اسامه بن لادن و شهید شیخ عبدالله عزام اختلاف افتاد و بسیار مسایل دیگر که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست اما مطالعهٔ فقط چند صفحهٔ آغازین کتاب به من فهماند که لااقل در یک مورد، در مورد مجاهدین مصری و نقش آنان در تند روی های القاعده اشتباه کرده بودم.

قبلاً من به این باور بودم که مبدل شدن (قاعدهٔ الانصار) به (قاعدهٔ الجهاد) که در نتیجهٔ یکجا شدن گروه جهادی جماعهٔ الجهاد برهبری ایمن الظواهری با قاعدهٔ الانصار به رهبری اسامه بن لادن بود، زمینه را به یکه تازی های مصری های تندرو در داخل گروه القاعده مبدل ساخت و مصری ها که تندرو بودند، موجب تندروی در القاعده شدند اما مصطفی حامد در این کتاب نشان می دهد که همه مجاهدین مصری جهاد افغانستان این گونه نمی اندیشیدند. مصطفی حامد از کسانی بود که همراه با اسامه در سال ۱۹۹۶ از سودان بار دیگر به افغانستان آمد اما او از منتقدان اسامه بن لادن بود. او نگاه دقیق تری به القاعده دارد.

او به این باور است که بزرگترین اشتباه اسامه بن لادن این بود که راه را برای پیوستن هر تشکیلاتی به القاعده باز گذاشت، درحالی که برنامه های اکثر این حرکت های جهادی با ایده های اسامه بن لادن همخوانی نداشت. اصولاً اسامه و القاعده خط فکری و سیاسی روشن نداشت و به تبع آن فاقد استراتژی و هدف مشخصی بود که در راستای آن فعالیت های خود را منظم سازد. بلکه اهداف القاعده کلی و در بسیاری موارد متغیر بود. حرکت القاعده به یک حرکت واکنشی مبدل شده بود و هر نقشهٔ جدیدی که مورد پسند رهبر القاعده قرار می گرفت، حتی اگر در راستای استراتژی کلی اش نبود، آنرا در برنامهٔ اجرائی خود می گنجاند. گروه هائی که به القاعده پیوستند، خودسرانه دست به اقداماتی زدند که اگر قبل از اقدام با اسامه در مورد آن مشورت می کردند، اسامه هرگز با اجرای آن موافقت نمی کرد. اکنون رهبری القاعده هیچگونه سیطره و تسلط بر این گروه ها ندارد.

اکنون از اعضای اصلی القاعده که این گروه را تاسیس کردند و آن را مطرح ساختند تقریباً کسی باقی نمانده است و اگر تعداد انگشت شماری هم زنده هستند در گوشهٔ زندان ها می باشند، بنابراین گروه اصلی القاعده اکنون عملاً وجود ندارد.

وی به این باور است که القاعده تاکنون در هیچ جای عالم اسلام هیچ خدمتی به مسلمانان و قضایای امت اسلامی نکرده است و بنابراین بهترین راه حل از نظر مصطفی حامد انحلال این سازمان است. لازم به تذکر است که این کتاب در زمانی نوشته شده که اسامه زنده بود و مصطفی حامد می نویسد که وی سه بار این پیشنهاد را به اسامه بن لادن نموده بود.

بخش بزرگی از تجربیات ابوالولید مصری در این کتاب از کار با مولوی جلال الدین حقانی در خُوست است. در بخش هائی از این کتاب، خاطراتی از رهبران جهاد دارد که جالب است. بصورت کلی این کتاب، روایتی از جهاد افغانستان از دید یک نویسندهٔ مجاهد عرب است که خود سالیانی متمادی دست اندرکار این جهاد بود.

ابوالولید مصری (مصطفی حامد) معتقد است که کتاب وی فقط بخشی از حقایق دوران جهاد را متعکس می سازد. شاید منظور وی اینست که این کتاب در ایران به چاپ رسیده و جای بخشی از وقایع دوران جهاد که به ایران رابطه می گیرد در این کتاب خالی است.

دولت و بحران ...

که صد ها جنون حق تلفی و سایر مفاسد سیاسی و اخلاقی را در متن جامعهٔ خود دارند، ما را پند و اندرز می دهند که در افغانستان شفافیت وجود ندارد، کمک ها حیف و میل می گردد و در همه زمینه ها این کشور فاقد یک برنامهٔ عملی است و همه کس به خود می اندیشد و بس.

ما به صحت و سقم این سخنان کاری نداریم؛ اما می خواهیم که یک کشور قانون مند داشته باشیم و در رهبری حکومت تفکر و اندیشه، خبرت و تجربه قرار گیرند. این دیگر برای مردم افغانستان قابل باور نیست که در طی پیش تر از یک دهه، چند چهره یی به اصطلاح دلسوز از این گنج های باد آورده سود می برند، بحران خلق می کنند، اداره و حکومت را به بی ثباتی سوق می دهند. نبود اعتماد به چهره های ملی، نیروی جوان و تحصیل کرده و عدم جانب دار به سیاست های شرق و غرب، کشور را به این درجه از بحران مواجه ساخته است.

امروز کسانی که یک کتاب حقوقی را نخوانده است و چیزی از فقه اسلامی، تمدن اسلامی، فرهنگ اسلامی و در نهایت زبان پشتو و دری را به صورت صحیح نوشته و تحلیل کرده نمی توانند، در مقام مشاوریت حقوقی وزارت خانه ها و ریاست های عمومی دولت قرار دارند و مشاوران همچنانی در سایر بخش ها با همین اندازه فهم و دانایی حضور یافته اند. امروز تعدادی از احزاب خلق و پرچم که در زمان حیات حزب شان نظر به پایین بودن سواد و معلومات مسلکی قادر نبودند حتا در بست های هفتم و هشتم دولت برای خود کاریابی نمایند، امروز به صفت والی ها، روسای عمومی و مشاوران، افتخار تقرر را پیدا نمودند. این ها موجبات فساد و بحران را در کشور به وجود آورده است.

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

له ښځو سره د تاؤ تریخوالي ډیرښت او لاملونه یې

□ شفیق

په هره انساني ټولنه کې ښځه او خاوند چې د کورنۍ بنسټ تشکیلوي، د انساني ژوند د ګاډۍ دوه عرادې دي؛ چې د یوې د نه شتون یا ناسالموالي په صورت کې د ژوندانه ګاډۍ پرمخ نشي تللای. او له همدې امله دغه دواړه طبقې په هره کورنۍ یا ټولنه کې د یو بل ملاتړ او ملګرتیا ته ډیره اړتیا لري. او دا چې د ټولنې بنیاد کورنۍ تشکیلوي نو باید د هرې کورنۍ رامینځته کېدل هم پداسې توګه صورت ومومي چې د کورنۍ ددغو دواړو بنسټونو له یو بل سره د طبیعت او مزاج ورته والی او هم د اقتصادي حالت او فکري او علمي سویې ورته والي یا کم تر کمه نږدیوالی موجود اوسي.

د اسلام په سپیڅلي دین کې هم د نکاح په منظور د ښځې او سړي په پورته یادو شوو شیانو د کفوالي (ورته والي) په نظر کې نیولو غوښتنه شویده او دا ځکه چې نکاح او واده د یوې عادي معاملې نوم ندی؛ بلکې دا د ژوندانه د اوږده شراکت یوه معامله او عبادتي عمل دی. او سره ددې چې د اسلام په دین کې د ښځې او خاوند د ژوندانه د نه سمون او نابرابرتیا په صورت کې د ابغض الحلال (هغه حلال چې ورڅخه نفرت کولای شي) په توګه د یو بل څخه د خلاصون لپاره د طلاق او خلعې لیار هم شتون لري خو افغانان دغه لیار له دې بریده هم ډېره بده ګڼي او په افغاني ټولنه کې دغه کار یو ډول پیغور ګڼل کیږي. چې پخپله تر دې بریده د ابغض الحلال څخه تصور او مفهوم اخستل هم یو ناسم تصور دی چې زمونږ په ټولنه کې موجود او د اسلام د دین له تعلیماتو څخه د نه معلوماتو لرلو پر بنیاد ولاړ دی. نو له همدې امله زمونږ په ټولنه کې د ښځې او خاوند ترمینځه د راپیدا کیدونکو ناخوالو او تاؤتریخوالو که نور لاملونه او اسباب هم شته، له ټولو څخه لوی سبب او لامل یې یو هم دا دی.

زمونږ هیواد کې پدې وروستیو کې پر ښځو باندې د تشدد او تاؤتریخوالي کچه ډیره زیاته شوې ده؛ چې یوازې پدې خو اونیو کې په کندز، بغلان، هرات او نورو ختیځو او لویدیځو ډیرو ولایتونو کې د تاؤتریخوالي ګڼې پیښې رامینځته شویدي. لکه چې د هرات او بغلان وروستۍ پیښې یې بدې نموني دي. نو ځکه مې اړینه وګڼله چې د تاؤتریخوالي ددغو پیښو لاملونو ته په لاندې توګه اشاره وکړم.

<u>په کورنیو کې او په ځانګړې توګه د ښځو او خاوندانو ترمینځه د تاؤ تریخوالي لاملونه:</u>

لومړی: په کورنیو کې د سالمې اسلامي روزنې نشتوالی:

دا چې د اسلام دین د ژوندانه د نظام نوم دی نو جوته ده چې ددې دین په تعلیماتو او لارښوونو باندې د انسانانوروزل یو اړین کار دی، چې دا پروسه د عمر پروسه ده؛ د طفولیت (ماشومتوب) له پړاوو څخه نیولې تر مرګه پورې دوام لري او پدې هکله له ټولو څخه لومړی مسؤلیت مور او پلار (کورنۍ) ته راګرځي، چې د خپلو هغه اولادونو روزنه وکړي چې سبا هغوی هم د دوې په څېر د یوې کورنۍ خښتي او بنیاد ګرځي او د دوی د نامه د ښه والي او بدوالي لامل ګرځي. او په دوهم قدم کې د ټولنې د لارښودې طبقې چې هغه له ښوونکي او عالم او مشر او واکمن څخه عبارت دي، د هغوی مسوولیت دی چې د ټولنې نوی کول (نسل) په اسلامي روزنه وروزي او ټولنې ته هر یو په خپل وار او پړاوو کې سالم انسانان وړاندې کړي؛ د مثال په توګه ښوونکي یوازې د ټولګي د درسي نصاب ښوونکی ندی؛ بلکې د زده کوونکي لارښود دی او دده هره کړنه د زده کوونکي په ژوند آغیز پریږدي. همدارنګه د سیمې عالم او د مسجد امام یا خطیب د خپلې سیمې د خلکو اړتیا سره سم د موعظې او تبلیغ له لیارې خپله دنده ترسره کوي.

او د کلي مشر او ملک د ټولنې چاپیریال او سلوک باید د نظر لاندې وساتي؛ د بدو اخلاقو او ناروا عادتونو څخه د پیروۍ په صورت کې خپل مسوولیت پدې سره اداء کړي چې کورنۍ خپل سلوک او چلند ته متوجه کړي او پرینږدي چې د لویدیځو ټولنو په څیر د بې بندوباره آزادیو طوفان زمونږ د ټولنې د خلکو (که هغه کوچنیان وي یا لویان) تربیه او سلوک خراب کړي؛ د بې ځایه ګرځیدو، قمار، ناروا موسیقۍ او نورو ناخوالو په ټولنه کې د خپریدو مخنیوی د کلي په ګډ تصمیم سره ونیسي او په ودونو او د غمونو په مراسمو کې د اسلامي شریعت څخه د پیروۍ پام وساتي او په خپل مثبت سلوک او عمل سره د کلي نور خلک هم دې ته وهڅوي، چې هر کار یې له شریعت څخه په پیروۍ کې



ترسره شي او د طبقاتي ژوندانه د ترخو د علاج هم پام وساتي.

او پدې ترتیب سره په خپل کلیوال قیادت او لارښوونو سره د کورنۍ د مشر، ښوونکي، عالم او مشر او ملک یو فکر او هاند اوسي. چې دا د اسلامي روزنې لارښود عناصر دي او هر یو د ټولنې د سالمې روزنې په پروسه کې په خپل پړاوو او وخت کې مهم رول لوبوي او یو د بل لپاره ملاتړ واقع کیږي. په همدې ترتیب کلیوالي شوراګانې پدې اړه پوره رول لري او باید چې د اقتصادي ګټو پرځای کلیوالی او سیمه ایزو شوراګانې د معنوي ګټو زیات پام وساتي.

دوهم: په ټولنه او کورنیو کې د ناروا رواجونو او تقالیدو شتون:

افغانستان یو عرفي ټولنه ده چې له مودو راهیسې د عرف او رواج تر نامه لاندې د ناروا رواجونو او تقالیدو طوفانونو ځپلې ده. د اسلام د سپیڅلي دین له راتګ وروسته هم. زمونږ ټولنه د اسلام د تعلیماتو سره په برابره توګه، یو شمیر تقالیدو او رواجونو ته هم په عملي توګه ژمنه ده او ډیر ځلې دغه تقالید او رواجونه د اسلام د تعلیماتو سره اړخ هم نه لګوي او د زمانو راهیسې د هغې شتون خلک داسې تلقي کوي چې که چیرې دغه کارونه (تقالید او رواجونه) ناروا وای نو پخوانیو به نه کول.

پداسې حال کې چې اسلام د هر پخواني عمل شتون د هغې د جواز او روا والي دلیل نه ګڼي؛ په قران کریم کې د مشرکینو دې استدلال ته هم باطل استدلال ویلی شوی؛ چې مونږ په هغه لیار تګ کوو چې زمونږ پلرونو او نیکونو پرې تګ کړی دی. په افغاني ټولنه کې د پخوانیو په کړنو او رواج باندې ټینګار هم یوه ناخواله ده او په ډیرو ځایونو کې د دین د تعلیماتو نوم ورکول کیږي؛ د غمونو او خوښیو په مراسمو کې ځینې داسې بد عادتونه پالل او کړنې ترسره کول چې د شرک بوې ورڅخه راځي؛ لکه چې په فاتحو کې ترسره کیږي او یا د بدفالۍ او نیک فالۍ په ډګر کې ځینې رواجونه لرل، ډیری یې د دین په نامه ترسره کیږي، پداسې حال کې چې دا ددین خلاف عملونه دي او داسې نور ناروا رواجونه او تقالید ترسره کول چې د پښتو پالنې رنګ لري او یا د جرګو لاسته راوړنې بلل کیږي. لکه د مثال په توګه په قتلونو (وژنو) کې د سورو ورکول او د ښځو له رضاء پرته هغوی د بدو په توګه د مقتول کور ته واده کول او لورګانې او خویندې خرڅول (په ودونو کې یې په سرونو پیسې د ولور په نوم اخستل).

او همدارنګه له ښځو سره په عامه توګه داسې چلند کول چې ګویا هغوی دویمه درجه مخلوق دی، دغه ګردواړه ددې لامل ګرځي چې په کورنیو او ټولنو کې تاؤتریخوالي ډیر شي او ځان وژنې یا ځان سوزونې رامینځته کړي؛ لکه چې پدې وروستیو کې زمونږ په هیواد کې دا پیښې ډیرې رامینځته کیږي.

دریم: د ښځې او خاوند له خپلمنځي حقوقو څخه نا خبري:

اسلام یوازې د عباداتو دین ندی بلکې، دا د ژوندانه د یو هر اړخیز نظام نوم دی؛ که پدې دین کې د انسان د عقیدې او ګروهې د سمون او اصلاح ښوونه شوې ده او انسان یې د یو الله جل جلا له وحدانیت لورې ته بللی او تر څنګه یې د رسالت او آخرت او نورو مغیباتو منلو غوښتنه ورڅخه کړیده.

په همدې عقیده ولاړې ټولنې په توګه ورڅخه بیا د ځینو عبادتي مناسکو لکه د لمانځه، روژې، زکات او حج د شرایطو په نظر کې نیولو سره د ترسره کولو غوښتنه هم کوي. د معاملاتو یو پراخه ډګر او نظام هم لري، چې په هغه ډګر کې د ښځې او خاوند ترمینځه د اړیکو باب د شخصیه احوالو په نوم یادیږي او ترڅو چې د نکاح څخه آغاز او په مرګ اویا طلاق او خلع باندې تر ختمیدو د مخه د دواړو ترمینځه دغه رابطه موجوده اوسي. یو په بل باندې حقوق او واجبات لري. نو ښکاره خبره ده چې ترڅو د نکاح دغه دواړه لورې د یو بل حقوق او واجبات ونه پیژني، د هغوی ترمینځه به خامخا ستونزې راولاړیږي. چې دغه کار د اسلام مطالعه غواړي؛ چې د اسلام په سپیڅلي دین کې د یو پر بل جلا ـ جلا حقوق کوم دي او ګډ حقوق یې کوم دي.

پدې هکله باید علماء او رسنۍ دواړه له یو بل سره په ملاتړ سره خپل مسوولیت ترسره کړي لکه چې تیره اونۍ د کندز علماوو پدې هکله یوه تحقیقي او علمي غونډه لرله او رسنیو هغې ته انعکاس ورکړ.

څلورم: د ځینو رسنیو لخوا د اسلامي او ملي ارزښتونو مخالف او په بې حیایې ولاړو پروګرامونو خپریدل:

په هیواد کې د ښځو سره د تاؤتریخوالي او ډیر ځلې د ناروا اړیکو په صورت کې د دوې د وژل کیدو عمده لامل یوهم د ځینو رسنیو لخوا د اسلامي اخلاقو او احکامو خلاف پروګرامونه خپریدل دي؛ لکه چې د بن د توافقاتو وروسته راغلي نظام کې د آزادۍ او دموکراسۍ له کلمې څخه په ګټه پورته کولو سره ډیرې رسنۍ دا کار انجاموي او زمونږ د ځوانانو اخلاق خرابوي؛ ځکه هغه ټولنه چې له یوې خوا د ولور او تویانه په نومونو د ودونو په وړاندې پرتو خنډونو لامله ځوانان په خپل وخت ودونه نشي کولای او له بلې خوا پکې د لویدیځې ټولنې په څیر بې بندو باره پروګرامونه او د اسلامیت او افغانیت خلاف ډرامې، سریالونه، فلمونه او بربنډې موسیقۍ پروګرامونه خپریږي نو خامخا دا ډول پروګرامونه جنسي غریزي پاروي او د ټولنې ځوان کول زناء او لواطت ته هڅوي. چې په نتیجه کې یې د ټولنې د معتقداتو او احکامو خلاف حرکتونه ددې لامل ګرځي چې له مرتکبینو سره یې د تاؤتریخوالي او ان تردې چې د صحرايي محکمو له لیارې د سزار ورکولو پیښې رامینځته شي.

کومه ټولنه چې وګړي یې د کار لپاره زمینې نلري او هغوی ته دا ډول پروګرامونه خپریږي خامخا به یې ځوان کول په بې لاریو سرکیږي او ناروا عملونه به ترسره کوي. چې پدې هکله د راولاړ شوو نتایجو مسوولیت حکومت او دا ډول پروګرامونه خپرونکو رسنیو ته هم راجع کیږي؛ که چیرې په هیواد کې د عدالت ریښتوني نظام شتون لرلی نو نن باید دغه رسنۍ هم محاکمې ته راښکلې شوې وای؛ ځکه دوی هم ددغو تاؤتریخوالي عامل دي لکه چې دولت او حکومت مسوولیت لري چې د دوی پروګرامونه وڅاري او سانسور یې کړي.

افکار عمومی در پیوند به امضای سند امنیتی

نذرالله عنایت

بحث بر سر امضا و عدم امضای پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن بیشتر از یک ماه بدینسو ادامه دارد. این مسأله سبب شده است که مردم فرصت بیابند، تا نظریات و دیدگاه های خود را در این مورد ابراز بدارند. اما هستند خیلی از کسانی که هنوز در مورد چیزی نمی دانند. از آن جایی که امضای این سند از سوی رئیس جمهور به گروگان گرفته شده است، در تازه ترین اظهاراتش گفته است که مذاکرات حکومت با امریکا در بارهٔ شرایط موافقتنامهٔ امنیتی هنوز ادامه دارد.

آقای کرزی گفته که قطع عملیات جنگی بر خانه‌های افغان‌ها و آغاز عملی روند صلح از شروطی بوده که او برای امضای این موافقتنامه گذاشته است.

ماه گذشته وقتی لویه جرگهٔ مشورتی نظریات نهایی خود را مبنی بر امضای پیمان میان افغانستان و امریکا صادر کرد، رئیس جمهور از امضای این سند خود داری کرد. این بار رئیس جمهور با شماری از مسوولان رسانه‌های غیر دولتی داخلی و خبرنگاران دیدار کرده و حرف و حدیث های را به آدرس امریکا گفته است. آنگونه که شاهدان در مجلس گفته اند این بار رئیس جمهور خیلی بزرگ نمایی کرده و بر شرایط خود تأکید و به موقف قبلی خود اصرار نموده است. او گفته است که امریکا از منطقه بیرون نمی شود، بهتر است افغانستان شرایط خود را به طور جدی تحمیل کند.

آقای کرزی همچنین گفته است که امضای این موافقتنامه را نه به دلایل اقتصادی، بلکه به منظور ثبات عمومی کشور و نجات از آسیب‌ها، با جانب امریکا لازم می‌داند.

روزنامهٔ نیویارک تایمز در شمارهٔ اخیر خود مطلبی را درمورد امضای پیمان امنیتی بین کابل واشنگتن به نشر رسانده، در آن از تغییر موقف امریکا درمورد ضرب الاجل امضای این پیمان یاد کرده است. نیویارک تایمز، نوشته است درحالی که فقط یک هفته به ختم امسال باقی مانده است، اداره رئیس جمهور اوباما از تاریخ ۳۱ دسمبر که برای امضای پیمان امنیتی با افغانستان تعیین کرده بود، عقب نشینی کرده است، ولی روی این هشدار خود تأکید دارد که اگر امضای این سند بازهم به تعویق بیافتد تمام نیروهایش را از افغانستان بیرون می کشد.

در عین زمان سخنگوی وزارت خارجه از آغاز مذاکرات میان افغانستان و ناتو مبنی بر توافق نامه امنیتی خبر داده است. راسموسن منشی ناتو از آغاز این گفتگوها حمایت کرده، اما گفته است که این توافق نامه منوط به امضای قرارد داد امنیتی میان کابل و واشنگتن است. مذاکرات میان ناتو و افغانستان و رسیدن به توافق که منجر به امضای سند شود چگونگی حضور نیروهای خارجی را پس از سال ۲۰۱۴ را روشن می سازد.

شمار زیادی از کشورهای عضو ناتو اعلام کرده اند که اگر موافقتنامهٔ امنیتی میان آمریکا و افغانستان امضا نشود و آمریکا از افغانستان برود، آنها هم از افغانستان خارج خواهند شد. از سوی دیگر سیرگی ناریشکین رئیس مجلس نمایندگان روسیه در سفرش به کابل گفته است که حضور نیروهای خارجی در افغانستان ضروری می باشد. اما وی گفته است که با نیرومند شدن نیروهای امنیتی افغانستان این نیاز مرفوع می شود.

عدم امضای قرارداد امنیتی میان کابل و واشنگتن حد اقل طی یک ماه اخیر به بحث و فحص ملی و بین المللی تبدیل شده است. در عرصهٔ ملی بیشترینه مردم عادی، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی، کاندیدان ریاست جمهوری و حتی شورای ملی به امضای این توافق نامه از سوی رئیس جمهور تأکید کرده اند. اما رئیس جمهور دو پا را در یک کفش انداخته و به خواست مردم توجه نمی کند. پافشاری حامدکزری در حالی صورت می گیرد که نگرانی های شدید مردم، نوسانات در نرخ کالا و پول افزایش یافته است.

از سوی هم فشارهای داخلی مبنی بر امضای این پیمان به رئیس جمهور افزایش یافته است. تازه ترین نظر سنجی ها نشان می دهد که اکثریت مردم ا فغانستان خواهان امضای این سند هستند. جنرال مرادعلی مراد، فرماندهٔ نیروهای زمینی ارتش نیز گفته است که اگر موافقتنامه امنیتی با امریکا به زودی امضاء نشود، افغانستان در معرض خطر قرار خواهد گرفت. آقای مراد گفته است که بدون حضور نیروهای خارجی ما در زمینهٔ تجهیز و آموزش ارتش با مشکلاتی جدی مواجه خواهیم شد. او گفته است که ما بدین باور نیستیم که افغانستان بدون حضور نیروهای خارجی به سوی جنگ داخلی خواهد رفت، ولی ما به امکانات و منابع نیازمندیم تا با تهدیدهای که از سوی شورشیان به ویژه در زمان انتخابات وجود دارد، مقابله کنیم. این نخستین بار است که یک مقام ارشد ارتش کشور در مورد تأخیر در امضای موافقتنامه امنیتی ابراز نگرانی می‌کند.

این در حالیست که ارتش ۳۵۰ هزار نفری کشور که از سوی امریکا تجهیز و حمایت مالی می‌شود، از امیدهای جامعهٔ بین‌المللی پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان در پایان ۲۰۱۴ می باشد. در همین حال سازمان ناتو گفته است تأخیر در امضای توافقنامه امنیتی شماری از اقدامات آنها را نیز به حالت تعلیق درآورده است.

در حالی که چند روز پیش، مذاکرات افغانستان و ناتو در مورد توافقنامه و وضعیت استقرار نیروهای ناتو رسماً آغاز شد، اما این سازمان اذعان کرده است که بدون امضای توافقنامه امنیتی میان افغانستان و امریکا، تعهدی در زمینهٔ ادامهٔ حضور در افغانستان پس از ۲۰۱۴ نمی‌دهند.

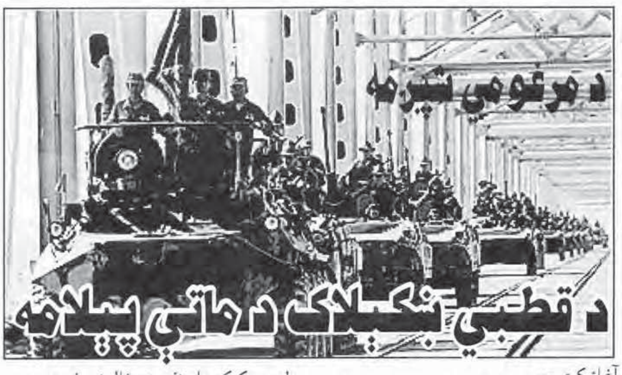
در یک نگاه کلی نگرانی ها و چالش های عمده فراه راه مردم افغانستان حد اقل طی سال های آینده کما کان وجود دارد. از عدم امضای سند توافق نامهٔ امنیتی از سوی رئیس جمهور گرفته تا انتقال مسوولیت های امنیتی، انتقال قدرت سیاسی در بهار سال آینده، سفربری نیروهای خارجی از کشور، فشارهای همسایه ها، افزایش حملات طالبان بالای نیروهای امنیتی کشور، اقتصاد نیم بند و وابسته به کمک نیروهای خارجی... از مسایل بغرنج و پیچیده اند که ذهن هر شهروند افغانستان را در این روزها به خود مشغول ساخته است. نگرانی های جدی مردم از آن جا ناشی می شود که مسایل یاد شده مستقیماً در گرو قدرت ملی مبتنی بر نهاد های ملی بستگی دارد. در شرایط که ما از قدرت ملی آنچنانی برخوردار نیستم و همه مسایل از بیرون وارد می شود و حتی معاش و البسه سربازان ما را کشورهای عضو سازمان ناتو تمویل و تهیه می کند، چگونه می توانیم مستقلانه وارد عمل شویم؟

این که با در نظرداشت مشکلات فوق می توانیم مستقلانه وارد میدان شویم و از منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال خود پاسداری کنیم کار نیک است. اما باید چاره اندیشی را کنار نگذاشت و از فرصت ها و امکانات منابع بین المللی نیز استفاده کرد.

زهیر

زمونږ د هېواد په تاریخ کې د مرغومي د شپږمې تور مابنام هغه شېبې وې چې د افغانی میړني ولس په حریم باندې د پخواني شوروي اتحاد یرغلگرو پوځونو یرغل وکړ او د غوېې د اوومې د کودتاچیانو د ننگې او ملاتړ په نیت؛ چې د جنوب په لوري ګرمو اوبو ته د رسیدلو هوډ هم ورسره ملګری ؤ. څه د پاسه یو لک پوځونه د افغانستان خاورې ته داخل شو.

هسې خو د افغان ولس مختلفو طبقو ــ که هغه عالمان او پوهان وو، او که محصلان او زده کوونکې، روحانیون وو او که د ولس عام وګړي؛ د غو ټولو د غوېې د اوومې نېټې د کودتاچیانو (خلقیانو او پرچمیانو) د ظالمانه او اسلام دښمنه کمونیستي رژیم پر خلاف د هجرت او جهاد لیار لا د غوېې د اوومې نېټې د کودتا په راتګ سره خپله کړې وه؛ ځکه افغان ولس درک کړې وه چې کمونستان زمونږ د هېواد د اسلامي شعایرو، دیني او ملي ارزښتونو او ملي ګټو دښمنان دي او له بلې خوا د هغوی اسلام دښمنه پالیسو او بشریت ضد کړنو ټول افغانان له هغوی څخه د کرکې او انزجار په پوله ودرولي وو. خو د پخواني شوروي اتحاد د پوځیانو لخوا زمونږ په تاتوبي د مرغومي په شپږمه ناڅاپي یرغل د غه د کرکې او انزجار څپو ته نوره هم چټکتیا ور وبخښله او د افغان مسلمان ولس لخوا د کمونستي رژیم پر خلاف یو پراخه جهاد پیل شو؛ په میلیونونو انسانان د خپلې خاورې پرېښودو ته اړ شو او د پاکستان او ایران په لوري یې د هجرت لیار ونیوله او کمونستي رژیم د پرځولو لپاره یې جهادي تنظیمونه جوړ کړل؛ څو افغان ولس له هغو مظالمو څخه خلاص کړي چې افغاني کمونستانو د هېواد ګوټ ګوټ کې



آغاز کړی وو.

کمونستانو د واک ګدۍ ته د رسیدلو سره سم له یوې خوا د اسلامي احکامو او دیني شعایرو پورې ملنډې وهل شروع کړل او هر هغه څوک یې چې د دین سره یې څه مینه او تړاؤ لرلو، د اخواني، مرتجع او اشراف زاده په نوم ونیول؛ یا یې ژوندي د خاورو لاندې کړل او بلدوزرې یې پرې وګرځولې او یا یې هم په هېواد کې موجودو زندانونو ته ولېږل او بیا یې له محاکمې پرته د شپو په تیارو کې یو یو راوویستل او په دې ډول یې په زرګونو بې ګناه انسانان د مرګ میلمانه کړل. همدارنګه یې په ډېرو ځایونو کې په ډله ایزه توګه د یو کلي یا یوې کورنۍ غړي په کلاشنکوفونو په مرمیو سوري کړل او د ژوند له نعمت څخه یې محروم کړل، لکه چې دا پېښې یې د کنړ ولایت د کرهالې په سیمه کې او هم د بدخشان، ننګرهار، لغمان، غزني، پکتیا، کابل، بامیان، هرات او ... په ولایتونو کې سرته ورسولې.

د کمونستي رژیم پر خلاف د افغان ولس د کرکې او نفرت مثالونه خو ډېر دي خو د حوت د میاشتې په څلېروېشتمه د هرات مسلمان ولس او د حوت په دریمه د کابل د خلکو عام پاڅون او د ننګرهار، کنړ، لغمان، نورستان او ... ولایتونو کې د خلکو د پاڅونونو تر څنګه په ځینو ولایتونو کې د میشتو عسکري فرقو عام پاڅونونه د دغه رژیم پر خلاف د ولسونو د پراخې کرکې او کمونیزم ضد مقاومت او سرتاسري کرکې څرګندونه کوي. مګر د ولس د عامي کرکې او انزجار ځواب تل افغاني کمونستانو او د هغوی ننګې او ملاتړ ته راغلو روسانو په کلیو او ښارونو د ټانکونو، توپونو او ماشیندارو د مرمیو په ورولو، د ګن شپ هیلو کپترونو، جټ الوتکو او سکرشل او سکډ درنو توغندیو په ورولو سره ورکړی؛ چې په هرات کې د حوت په څلېروېشتمه د پنځه ویشت زرو په شاوخوا کې د هرات د مسلمان ولس عامه وژنه او همدارنګه د هېواد په ګوټ ګوټ کې د انسان دښمنۍ نه ډک ظالمانه کمونستي یادونه، هغه څه دي چې د افغان مسلمان ولس بچیان به یې کله هم له خپلو حافظو څخه ونه باسي.

په څرخې پله زندان کې له ژوندیو بندیانو څخه د نوکانو ویستل، برقي ډنډې ورکول او ژوندي ځړول او هم د بندیانو له هیلو کپترونو څخه ژوندي ځمکې ته راغورځول هغه کړنې دي چې د لینن او ستالین افغاني پیروانو زمونږ په هیواد کې سرته ورسولې؛ د کومو له یادولو څخه چې انساني غوني زیږیږي.

د افغانستان د مسلمان او میړني ولس د تاریخي جهاد په موده کې له دین، خاورې او ناموس څخه دفاع کوونکو په زرګونو علمي، سیاسي، فرهنګي او ټولنیزو جهادي څېرو لخوا د شهادت جام څښل او هم د یو نیم میلیون افغانانو وژل کېدل. په لکونو انسانان معیوب او معلول کېدل، په میلیونونو انسانان له خپلې خاورې څخه مهاجر کېدل. د کمونستانو او د هغوی د بادارانو قطبي خرسانو (روسانو) هغه پیرزوینې دي چې زمونږ په قطبي ګاونډ کې مېشتو روسانو پر مونږ کړې وې.

ان تردې چې د څوارلس کلن تاریخي جهاد د بریالیتوب وروسته د کورنیو جګړو او مقاومتونو تلفات ګردواره هغه تراژیدۍ دي چې بنیادي لامل یې د مرغومي د شپږمې په تور مابنام د قطبي ښکیلاک یرغل او د غوېې د اوومې نېټې هغه ننګینه کودتا وه چې افغان ولس ته یې د ویرونو او ماتمونو پیغام راوړ او زمونږ ولس یې له داسې کړاونو، ربړو او تلفاتو سره مخ کړ چې تدارک به یې کلونه کلونه واخلي؛ چې لامله یې د درې نیمو لسیزو په تیریدو سره لا اوس هم افغان ولس د بشپړ ملي وحدت، ډاډمن امنیت او په ټولنیز انصاف ولاړ هغې اسلامي نظام څخه برخمن ندی چې د ولس ټولو پرګنو او طبقو ته د منلو وړ اوسي.



خطرات فشار روانی (سترس) و طرق تقلیل آن

دکتور فیض الله کاکر

صحت عبارت از آن توانایی انسان است که توسط آن در مقابل عوامل متعدد مقاومت می نماید. وقتی که یکی ازین عوامل از سرحد توان شخص بالاتر رود، باعث برهم خوردن صحت می گردد. فشار روانی یکی ازین عوامل بوده و آن عبارت از احساس ناگوار روانی ناشی از تعبیر منفی انسان از رویداد های زنده گی می باشد. اعراض جسمی فشار روانی به اشکال مختلف در اشخاص ظهور می کند. اثرات منفی فشار روانی در جسم وقتی بوجود می آید که بدن انسان نتواند در مقابل رویدادی که فشار روانی را تولید کرده، عکس العمل مناسب نشان دهد. درین نوشته خیلی مختصر، توصیه های عرض می گردد که با عملی شدن آنها توان مغز در مقابل فشار روانی تقویت و امواج مغز و قلب همآهنگ گردیده که بعون خالق لایزال از اثرات منفی فشار روانی برجسم و روان خواهد کاست.

عوامل فشار روانی متعدد بوده و شامل کتگوری های عوامل اجتماعی، محیط زیستی و عوامل درونی (طرز تلقین و خواسته ها و عدم هم آهنگی در میان مغز و قلب) انسان اند.

خطرات صحی فشار روانی نیز لست طویلی را تشکیل می دهد و وجه مشترک آنها اینست که با تضعیف ساختن مقاومت و معافیت بدن، شخص را در مقابل امراض روانی و جسمی خطر پذیر می سازد. یکی از میکانیزم های اثرات فشار روانی اینست که تعبیر یک خبر یا رویداد ناگوار در ساحهٔ امکدولای مغز صورت گرفته وبدن مقدار زیاد هورمون ادرینالین را در خون ترشح می کند. سویهٔ بلند و دوامدار این هورمون باعث مشکلات متعدد در بدن می گردد. فشار روانی همچنان انرژی بدن برای ترمیم شکست و ریخت حجرات را ضایع ساخته، احتمال بروز امراض را بلند می برد. تا حال۷۹ مرض که در زمرهٔ آنها مرض قلبی، فشار بلند خون، خرابی حافظه، خستگی دوامدار، افسردگی و یک تعداد از امراض سرطانی شامل اند، به فشارهای روانی ارتباط داده شده است. فشار روانی به تنهایی و یا در همراهی با عوامل دیگر این امراض را سبب می گردد.

چگونه اثرات ناگوار فشار روانی استرس را کم بسازیم؟

زنده گی در جامعهٔ انسانی خواهی نخواهی فشار روانی را به همراه دارد و قطع کردن آن کار دشوار است ولی علمای طب طرق متعدد را کشف کرده اند که اثرات ناگوار stress را خیلی ها کم می سازند. درین نوشته طرق چند، مختصراً عرض می گردد. بصورت عموم دو کتگوری مقابله با استرس stress وجود دارند:

۱- طرق بیوشیمیکی؛

۲- طرق روانی مخصوصاً همآهنگ ساختن امواج مغز با قلب.

۱- طرق بیوشیمیکی برای کم ساختن اثرات فشار روانی:

a) علمای طب درین اواخر آموختند که بکتریاهای (bacteria) که در روده های انسان زنده گی دارند رول بس مهمی در کم ساختن حساسیت انسان در مقابل واقعات ناگوار داشته و سویهٔ تشویش را کم می سازد. این مایکروب های خیلی مفید و دوست انسان با تولید مادهٔ خاص خود آن ساحه از مغز انسان را که در آن فشار روانی حس و راجستر می گردد طوری صحتمند می سازد که حساسیت مغز انسان در مقابل فشار روانی کمتر می گردد. در امعای انسان چندین بلیون بکتریای زنده فعالیت دارند و مواد بیوشیمیکی خیلی ها ضروری بدن را تولید و رول فوق العاده اساسی را در تحفظ صحت عمومی انسان دارند. هر وقتی که انسان یکی از دواهای ضد مایکروب (Antibiotics) را استعمال نماید تا کدام مرض ساری را تداوی کند، این بکتریا های مفید نیز از بین می روند و لازم است که خیلی زود این بکتریاهای مفید دوباره در روده ها زرع و نگهداری گردند. بصورت طبیعی زرع توسط غذا های چون ماست به تدریج صورت می گیرد ولی اکنون کپسول های (Acidophilus) برای زرع این خدمتگار های ذره بینی انسان موجود است که با استعمال آنها بکتریاهای مذکور به سرعت احیا می گردند. لذا اخذ این کپسول ها برای مدت دو هفته با مقدار از ماست توصیه می گردد.

b) همچنان برای تقلیل آسیب پذیری انسان در مقابل stress لازم است که مصرف نوشابه ها و غذاهای ذیل به حد اعتدال مصرف گردند:

- نوشابه ها و غذا های کافین دار چون قهوه، چای، کوکاکولا، چاکلیت سیاه.
- غذاهای بسیار شیرین چون آب میوه های بسیار شیرین و شیرینی باب.
- در مقابل کوشش گردد که غذا های مصرف گردند که در آن ویتامین ها و منرال ها موجود باشند: این غذا ها عبارت اند از سبزیجات ، تخم مرغ، جگر (هفتهٔ یکبار)، پنیر، بادام، میوه جات، ماهی، گوشت مرغ، و گوسفند، تخم گل آفتاب پرست و غیره (در این مورد باید از اعتدال کار گرفت و مریضان مصاب امرض قلبی و آنهایی که چربی خون شان بلند است و یا هم فشار بلند خون دارد باید از توصیه داکتر مربوطه پیروی کند).
- درینجا تاکید می گردد که هرگاه گوشت را مصرف می کنید، آنرا با مقدار زیاد سبزیجات چون پالک، کاهو و غیره نوش جان کنید. در غیر آن خون شما خیلی اسیدی گردیده و باعث ترشح هورمون ادرنالین می گردد. این هورمون فشار روانی شما را زیاد می سازد و هم حساسیت مغز را در مقابل فشار روانی بلند می برد.

c) بر علاوهٔ غذا، خواب آرام و کافی برای تقلیل اثرات فشار های روانی نیز خیلی ها موثر است. کم خوابی باعث آن می گردد که حجرات اعصاب مغز حساس تر گردد و لذا خطر پذیری شخص را در قبال فشار روانی بیشتر می سازد و یک محرک عادی زندگی چون گریهٔ طفلی، عکس العمل شخص را تحریک نموده و وی را مشتعل می سازد. کم خوابی همچنان باعث می گردد که برخی از قسمت های مغز جبراً به خواب برود در حالی که شخص بیدار است. این حالت که به نام local sleep یاد می گردد، قضاوت انسان را ضعیف ساخته و احتمال به خطا رفتن وی را در امور مورد قضاوت زیاد می سازد که نتیجتاً تولید تشویش و اضطراب می نماید. اینکه چگونه خواب آرام داشته باشیم، به نوشتهٔ نویسنده که تحت عنوان (فهمیدن مراحل خواب برای صحت بهتر) مراجعه گردد.

d) سپورت بدنی متداوم (هفتهٔ ۳ بار) برای تقلیل اثرات فشار روانی خیلی مفید است. سپورت بدنی باعث ترشح هورمون های اندورفین و هورمون نشونمو (GH) می گردد. اندورفین روحیهٔ انسان را تغیر داده وی را خوش نگه می دارد و همچنان برای داشتن خواب آرام کمک می کند. هورمون نشو نمو عضلات را صحت مند نگه داشته و هم رول مهم در ترمیم شکست و ریخت حجرات بدن دارد و لذا مانع برخی از اثرات غیر صحی فشار روانی می گردد. سپورت باید لااقل ۳ ساعت قبل از وقت خواب اجرا گردد و در هوای آلودهٔ کابل تحت اشعهٔ آفتاب صورت نگیرد. اشعهٔ آفتاب در شهرهائی که هوایش آلوده است، باعث تولید شدن گاز اوزن در نزدیک سطح زمین (Ground Ozone) می گردد که تنفس زیاد آن به صحت مضر است و سپورت خواهی نخواهی باعث تنفس عمیق تر و سریعتر می گردد. ولی نا گفته نماند که تنفس عمیق بذات خود خیلی ها مفید بوده و برخی از مزایای صحی سپورت مربوط تنفس عمیق در هوای پاک است.

e) برای کم ساختن تشویش های روانی دواهای متعددی در دواخانه ها موجود اند ولی اکثر شان اثرات جانبی ناگوار دارند لذا نویسنده آنها را توصیه نمی دارد. اما یک تعداد از دواهای طبیعی هم وجود دارند که برای قرن ها در ممالک چون هند و چین استعمال داشته و مفید و مصون ثابت گردیده اند که یکی از این دوا ها به نام (Ashwagandha) اشواگندا مشهور بوده، که علاوه بر اثرات کم ساختن تشویش، مفاد متعدد دیگر نیز دارد.

f) کمبود زیاد ویتامین B12 و ویتامین D_3 بدن انسان نیز آسیب پذیری ما را در مقابل فشار های روانی زیاد می سازد. لذا توصیه می گردد که با اخذ یک ترکیب خوب از ویتامین B-complex و ویتامین D3 (روزانه 2000-IU) از کمبود زیاد این ویتامین ها جلوگیری نمائید. خیلی ها بهتر است که ویتامین D3 را از تابش اشعه آفتاب بر جلد خود هفته سه بار (برای ۱۰-۱۵ دقیقه) اخذ بدارید. اشعهٔ آفتاب فشار خون را نیز نارمل می سازد و هم برای صحت عمومی انسان خیلی ها مفید است.

ادامه در شمارهٔ آینده

اهانت ملت ها در هیچ دین و آیینی جواز ندارد

□ **عبدالحی مرام**

افغانستان امروزی که به تسلسل و پی هم آریانای کبیر و خراسان بزرگ بوجود آمده است، بگفتهٔ پروفیسور محمد رسول باوری استاد پیشین دانشگاه کابل، از پنج هزار سال تا یکصدو بیست هزار سال پیشینه یی با ریشه، فرهنگ و تمدن های گوناگونی داشته که قوم آریایی ها را قوم نجیب، شریف، با فرهنگ، خوش چهره و خوش برخورد گفته اند و این مواصفات در تمام کتاب های تاریخی ثبت و درج و ماندگار است.

در افغانستان امروزی بیش از ۳۱ زبانی وجود دارد که هر زبان ریشهٔ طولانی و ژرف تا مرز حوزهٔ بزرگ ملی و جهانی داشته است و تا به امروز که این مردم بزرگ، با فرهنگ و تمدن دیرینهٔ خویش زندگی کرده اند همواره و همیشه در پهلوی هم «مانند دندانه های شانه» زیسته اند و «بنیان مرصوص» را تهداب گذاری و مانند دژ فولادین در برابر تمام مهاجمان ایستاده گی نموده اند که تاریخ طولانی این کشور باستان، با تمدن و رزم آفرین شاهد آنست و نیازی برای تشریح بیشتری دیده نمی شود، زیرا خِردمندان جامعهٔ ما و دانشمندان دنیای دیگر آنرا خوبتر می دانند، اما اینکه عناصر، افراد، حلقه ها و گروه های «بی خِرد» لجوج، و فتنه انگیز که از بی خردی، بی دانشی، آشوبگری لذت می برند، با گستاخی و دیده درایی کامل تمام بهتر اندیشی های دینی و غیر دینی، بهتر اندیشی های علمی و اجتماعی و تمدنی را لگدمال و بر ملت های این کشور گاهی به نام زبان و گاهی به نام قوم و زمانی هم به نام نژاد تعرض، تجاوز و بی حرمتی می کنند که برای چنین اشخاص، افراد و گروه های «مفسد اجتماعی»، حضرت رسول اکرم (ص) پیشوای بزرگ اسلام چنین خطاب فرموده اند:

«وقتی حیا نکردی، بکن هرچه دلت می خواهد!» و این گونه بی حیایی در برابر ملل و انسان های دیگر در حقیقت یکنوع «ستم است» خیلی زیان آور به مردم متمدن، شریف و نجیب افغانستان، بویژه هموطنان پشتون ما! طوری که در سورهٔ انفال آیهٔ (۲۵) می خوانیم: «ترجمه: و به پرهیزید از فتنهٔ که نه رسد به آنانی که ستم کردند از شما به تخصیص و بدانید که هر آیینه خدا سخت عقوبت کننده است.»

آری! هرکی بر این کشور، مردم، تاریخ و فرهنگ غنامند آن ستم روا داشت، در «تفت و آتش» آن بشمول دیگران، هموطنان پشتون ما هم سوختند که همین حالا به اثر بیدادگری های حلقه ها و باندهای مزدور ضد تمدن بشری، ضد ملل بزرگ این سرزمین یعنی افغانستان امروزی وحشیانه و ظالمانه، ستم می کنند، آشوبگری و بلوا گری می کنند و کشور را بخون، آتش و ویرانه مبدل ساختند و تنها طی همین ۱۲ سال گذشته به هزاران هموطن پشتون ما بخاک و خون کشانیده شدند؛ میلیون ها دختر و پسر آنان از نعمت سواد و دانش که بزرگترین نعمت الهی است، قصداً عمداً محروم ساخته شدند و هزاران آموزگار، شاگرد، داکتر و انجنیر و اهل خِرد دیگر کشته شدند، محصول «فتنه گری و آشوب طلبی» همین باندها، حلقه ها و تبهکاران رنگارنگ شعله ور می سازند و از آتش افروزی آن هموطنان ارجمند و با خِرد «پشتون ما می سوزند» زیرا شماری بدستور بیگانه گان بر ملت های با فرهنگ دیگر که هر کدام ریشه های عمیقی در این سرزمین پهناور و حتا بیرون از آن داشته اند، گستاخانه می تازند و چشم ها را پُت و دهان را با یاوه سرای های بیهودهٔ ضد ملی، ضد اسلامی باز و زهر پراگنی می کنند.

حامدکرزی رئیس جمهور کشور، روز پنجشنبه ۱۴ قوس سال روان، در کنفرانس ملی انکشاف شاهراه سالنگ برای پنجاه سال گفته بود: «دامن زدن به اختلافات قومی و زبانی توسط شماری از رسانه ها بر وحدت و اتحاد مردم افغانستان تأثیر گذار نیست. اما او وظیفه و مسؤولیت خود می داند تا در برابر این رسانه ها ایستاده گی کند.» رئیس جمهور کشور حامد کرزی افزود:

ص۷

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۳۰قوس:

• در خبرنامۀ مطبوعاتی امنیت ملی آمده است، یک گروپ شش نفری تروریستی - نقیب الله، عبدالخالق، عنایت الله، عبدالباری، احمد الدین و عبدالحکیم آغا- باشنده گان ولایت کندهار که مصروف فعالیت های بودند، طی یک عملیات خاص اوپراتیفی از سوی منسوبین ریاست عمومی امنیت ملی در ولایت کندهار دستیگر گردیده است .

۲جدی:

• اداره امنیت ملی از دستگیری یک گروه ۱۳ نفری آدم‌ربا در ولایت ننگرهار خبر داده است. این اداره در اطلاعیه ای از اعضای این گروه به عنوان "آدم‌ربایان حرفه‌ای" نام برده که آنها در چندین مورد آدم‌ربایی در ننگرهار و لغمان دست داشته‌اند. بر اساس این اطلاعیه، متهمان توسط ماموران امنیت ملی در ولایت ننگرهار بازداشت شدند و در بازجویی اولیه به "جرم خود اعتراف" کرده‌اند.

۳جدی:

• مقام های پولیس در هرات گفته اند، "یک گروه سه نفره تروریستان خطرناک شام روز گذشته توسط نیروهای پولیس در هرات بازداشت شدند. که یکی از افراد این گروه، باشنده اصلی ولایت بادغیس و دو تن دیگر شان از هرات هستند. فرمانده پولیس هرات به رسانه ها گفته است، این گروه تروریستان با خود چهار میل تفنگچه بی صدا به همراه داشتند که تاکنون در چندین ترور و قتل داخل شهر و اطراف هرات از آنها استفاده برده اند.

۴جدی:

• به گفتۀ رسانه ها، انفجار یک بمب و یک راکت در تپۀ مرنجان شهر کابل، چهار پولیس را مجروح نمود. سخنگوی وزارت امور داخله گفته است که این راکت و بمب در تپۀ مرنجان در مربوطات ناحیۀ شانزدهم امنیتی شهر کابل از قبل عیار شده بود که بنابر اطلاعات کشفی، صبح امروز زمانی که نیروهای امنیتی می خواستند آن را خنثی کنند، انفجار کرد. در این رویداد چهار پولیس پوستۀ امنیتی که به محل رفته بودند، زخم برداشته اند.

• بنا به گزارش رسانه ها، ساعت ۶:۴۰ دقیقۀ صبح دو راکت بر سفارت امریکا در کابل اصابت نموده و مقامات سفارت گفته اند که این رویداد، تلفات در قبال نداشته است.

• به گفتۀ قوماندان امنیۀ ولایت لوگر به رسانه ها، انفجار حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر در صد متری ریاست سره میاشت در مقابل یک دکان صورت گرفت که مواد انفجاری در یک بایسکل جابجا شده بود. بنا به گفتۀ وی، در این انفجار، چهار فرد ملکی و دو پولیس کشته شده و ۱۳ فرد ملکی دیگر زخم برداشته است.

اهانت ملت ها در هیچ دین و...

«بحیث شهروند این کشور و بحیث یک ملت و دولت، وظیفۀ برای حفظ منافع ملت داریم این را باز هم وظیفۀ خود می دانیم، در برابر آنهایی که چه از تعصب خود و چه از وظیفه گیری خود از بیرون، وحدت ملی افغانستان را تخریب می کنند، بایستم و با تمام قوت، قانون در این مورد تطبیق شود.»

رئیس جمهور با تاکید گفته اند که: «کسانی که در بحث های تلویزیونی خود به اختلافات قومی، زبانی در افغانستان دامن می زنند، متعصب و بیچاره هستند و آنهایی که ملت افغانستان را توهین می کنند زبان های شان را توهین و تعصب پراگنی می کنند، نمایندۀ های افغانستان نیستند، بلکه نمایندۀ، بی چاره گی خود هستند.»

روی این موضع گیری های قاطع علمی و ملی و جدی رئیس جمهور کشور است که کمیسیون فرهنگی، دینی و آموزش و پرورش مجلس سنا یا مجلس بزرگان کشور ما، در نشستی تصویب کرد تا مجوز تلویزیونی که زمینه ساز تبلیغ و دامن زدن به اختلافات قومی در افغانستان می شود، لغو شود زیرا این عمل، سبب بر هم خوردن پروسۀ ملت سازی در کشور ویران و جنگ زدۀ ما می گردد.

بخاطری که پروسه انتقال مسالمت آمیز شیوۀ دموکراتیک از راه انتخابات همگانی ریاست جمهوری کشور آغاز گردیده است و قوای مسلح بیدار ما که متشکل از هزاران فرزند تاجک، هزاره، ازبک، پشه ای، پشتون، نورستانی، ترکمنی و دیگران اند، با رزم و پیکار خویش در برابر باند های تبهکار طالب، القاعده و ده ها باند گروپ خرابکار، آدم ربا، دهشت افگن، تروریست و متجاوزین به عزت و ناموس کشورمان مردانه و جانانه می رزمند، شهید و زخمی، معلول و معیوب می گردند، از یکسو روند انتخابات در فضای صلح و امن بر گزار گردد و از سوی دیگر میلیون ها شهروند این کشور درین پروسۀ ملی و دموکراتیک شرکت ورزند و امانت را که همان «کرسی ریاست جمهوری» است به اهلش بسپارند، آرزومندیم درین لحظه های حساس تاریخ کشورمان مردم آگاه، با خرد و دور اندیش افغانستان و دولت جمهوری اسلامی افغانستان درین راستا با هم متحد شده به یاوه سرایان فتنه گر و تفرقه انداز پاسخ دندان شکن بدهند و نگذارند که هر گستاخ و بی حیای داخلی و خارجی همسایه و منطقه، آتش نفاق را شعله ور بسازد و جلو ملت سازی و تمدن آفرینی مردم ما را بگیرند و باید با مشت های بهم فشرده بر دهن یاوه سرایان مزدور و اجنبی که خود را «دایه ای مهربان تر از مادر» جلوه می دهند، بکوبند.

۶ جدی، فراز و فرود تجاوز و تغییر ...

ادامه از صفحۀ اول

به کابل صورت گرفته بود، پاکستان و همه کشور ها، رژیم دموکراتیک خلق را به رهبری تره کی و امین پذیرفته و به رسمیت شناخته بودند و جنرالان پاکستانی به رهبران جهادی با تأسف بیان می داشتند که کار شما پایان یافته است!! حکومت پاکستان در رژیم خلقی نیز محدودیت های را برای رهبران مجاهدین وضع کرده بود و با سرازیر شدن ده ها هزار عسکر شوروی کاملاً مرغوب و دهشت زده شده بودند!

اما نیروی ایمان و عقیدۀ مجاهدان افغان، بالاتر از همه محاسبات نظامی و تسلیحاتی است و خدای قهار و مهربان، ملت بیدار و قهرمان ما را چنان یاری و پشتیبانی کرد که تحلیگران سیاسی و نظامی دنیا را حیرت زده ساخت!

جبهات جهاد بر ضد استبداد، کفر و اختناق، اکنون بر ضد تجاوز آشکار نظامی و لشکرکشی شوروی ها انجامیده و روز به روز قوت مردم بیشتر می یافت... برخی از کشور ها با نا باوری از فتوحات مجاهدین و درهم شکستن قوای شوروی اطلاع می یافتند و آهسته آهسته به کمک مجاهدین شتافتند... هر سال تعداد کشور های که بر ضد تجاوز شوروی رای می دادند، در سازمان ملل متحد بیشتر و بیشتر می شد... رسانه های دنیا از مجاهدین با نام افغان، عکس ها گرفتند و صفحات مجلات و روز نامه ها و تلویزیون های دنیا را عکس و تصویر جهاد افغانستان پُر کرده بود، گویا افغانستان به زور و قوت شوروی اشغال نشد بلکه، تصاویر جهاد در رسانه ها گسترش یافت...

پیشینه های تجاوز :

۶ جدی، اولین روز تجاوز شوروی ها به افغانستان نیست و این صحنه دارای صحنه های دیرین و پیشین نیز است:

کودتای ۲۶ سرطان:

کمونیست های خلق و پرچم که در مظاهرات خیابانی در وطن ما ناکام شدند و مردم ما اجازه ندادند تا شاید یاوه گویی های کمونیست ها باشند و هر چند حکومت های سلطنتی کوشیدند تا این عناصر اجنبی را با زور فشار خارجی به شورا راه بدهند، ولی مردم ما این تلاش ها را نیز خنثی ساختند و هرنوع راه دموکراتیک و آزادی به روی کمونیست ها بسته شد، پس راه کودتا را انتخاب کردند و مردی از خاندان سلطنت را که شخصی دیکتاتور و جاه طلب نیز بود، به این منظور برگزیدند و کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ با کمک و همراهی خلقی ها و پرچمی ها به راه افتاد و کشور ما به اصطلاح جمهوریت افغانستان! شد...

در مورد داوود خان و شخصیت او حرف های زیاد است و امروز در کشور ما، افراد و چهره های مختلف در حکومت و بیرون آن، مدعی دفاع از داوود خان اند و... ولی بهر صورت کودتای او را همگان با اشتراک کمونیست ها می دانند و کرسی های مهم از جمله وزارت داخله و وزارت معارف را به پرچمی ها داده بود و ده ها ولسوال و مدیر معارف و مدیر لیسه از پرچمی ها در دوران دیکتاتوری داوود خان توظیف شدند...

خلقی ها و پرچمی ها پیام تبریک می دادند و در اولین بار جمهوری... تایید شان را از نظام استبداد و دیکتاتوری اعلام می نمودند... اکثر عناصر ضد کمونیست مخفی و یا از کشور به خارج رفته و تعدادی هم زندانی شدند... محمد هاشم میوند وال و رفقای او به نام اقدام کودتا علیه رژیم محاکمه و برخی اعلام گردیدند...

جمعیت اسلامی که در صف اول مخالفان قرار داشت، برخی از بزرگان آن زندانی و برخی از جمله رهبر جمیت (استاد برهان الدین ربانی) و آقای حکمتیار و تعداد دیگر به مناطق مرزی شرقی و پشاور مهاجرت کردند... بالاخره همراهی داوود خان و کمونیست ها روز پایان یافت و رژیم سیاست دوری از شوروی و نزدیکی با کشور های اسلامی و غربی را در پیش گرفت... رهبری جمعیت با ملاحظۀ دوری رژیم از شوروی و احساس آزادیخواهی، راه نزدیکی با زمامدار را در پیش گرفت ولی با کودتای ۷ ثور که زمینه سازی برای آن در دورۀ داوود خان شده بود، این راه نیز به جایی نرسید.

کودتای ۷ ثور:

داوود خان که عناصر مهم ملکی خلق و پرچم را به زندان افگنده بود و امین از گرفت پولیس رژیم، مخفی بود، کار به سرعت در اردو ادامه یافت و اشتباه بزرگ داوود خان نیز این بود که عناصر خلقی و پرچمی اردو را دستگیر نکرد و راه برای کودتا باز شده بود...

بالاخره کودتا با کمک شوروی و یا بدون کمک، آغاز و در مدت دو روز به پیروزی رسید... رژیم جدید با شعار های به ظاهر انقلابی و سرخ همه جا را رنگین ساخت و بیرق سرخ کمونیستی برای دولت انتخاب شد!

کیش شخصیت و تقدیس و تمجید از تره کی روز به روز افزایش می یافت و امین شخصاً تره کی را بزرگ و بزرگتر جلوه می داد: تره کی و حزب، روح و جسم اند... زمانی که نام رهبر کبیر خلق گرفته می شود باید هورا بگویید و نه برای نام من، بلکه طبق استحقاق، و هورا هورای حاضرین خلقی تالار را فِرا می گرفت... بلاخره وحدت ساختگی و دروغین حزب، نیز به پایان رسید و ببرک و همراهان به نام سفرا به بیرون افگنده شده بعد با نجیب و دیگران به شوروی پناه بردند و برخی از افراد رده های بالا و منجمله کشتمند به نام کودتا دستگیر و زندانی شدند اما کشته نه شدند زیرا ترس از شوروی وجود داشت و... بالاخره کیش شخصیت نیز از میان تهی گردید و رهبر بزرگ خلق و نابغۀ کبیر شرق توسط شاگرد وفادارش خفه شد و از دنیا رفت... رژیم صد روزۀ امین همراه با تعریف از شوروی ها به پایان رسید و در ۶ جدی، رژیم خلقی برچیده شد و با کشتن امین و زندانی شدن افراد نزدیک به او، اردوی متجاوز شوروی همراه با ببرک و نجیب و وطنجار و... به افغانستان هجوم آوردند و بازهم شعار های تازه و با صدای وطنفروش کبیر، جاده ها را فرا گرفت...

رنگ بیرق تغییر داده شد و بعد مصالحه ملی اعلام گردید و... جبهات جهاد، روز به روز قوی تر می شد و اضمحلال رژیم پوشالی و تجاوز خارجی را نزدیک نشان می داد... در آخر کار، نجیب توسط گورباچف به حیث رئیس حزب و دولت در افغانستان در ماسکو تعیین شد و ببرک کنار زده شد و (شرح ماجرا در اکثر کتاب ها و خاطرات کمونیست های پرچمی است)

نجیب برنامۀ آشتی ملی را با شعار و ژست های عوام فریبانه ادامه داد: قانون اساسی ساخته شد، نام حزب به حزب وطن تغییر داده شد، شوراها ساخته شد و تعدادی انگشت شمار از مجاهد نما ها به رژیم فراخوانده شده و به اصطلاح تسلیم شدند... اما جهاد ادامه یافت و نجیب را با همه شعار ها و مسلمان نمایی های او مردم ما نپذیرفتند و او را در قطار ببرک، امین و تره کی، کمونیست و بی خدا و ضد دین و ضد کشور دانستند و... بالاخره نجیب با مشکلات زیاد و در گیری های داخل حزب، استعفا داد و در دفتر ملل متحد پناه گرفت... در آخر کار، جهاد به پیروزی رسید و تمام قوا و تشکیلات نظامی و سیاسی و ملیشه ای رژیم و شوروی ها نتوانست جلو راه جهاد را بگیرد و شوروی که در سال ۱۳۶۸ کشور ما را تخلیه کرده بودند، پایۀ رژیم را سست و بی بنیاد ساختند و برخی از صاحب منصبان و ملیشه های با گروه های مختلفی از مجاهدین تماس و به آنها پیوستند و به تاریخ ۸ ثور سال ۱۳۷۱، سال پیروزی جهاد و شکست کودتای ۷ ثور و تجاوز ۶ جدی در تاریخ پرافتخار کشور ما و تاریخ دنیا ثبت گردید.

امروز کی از تره کی، امین و ببرک حرف نمی زند و عکس های شان را بالا نمی کند ولی فقط عکس هایی از نجیب است که گاه گاهی دیده می شود و روز درگذشت او را جلسه می گیرند!

بلی! کسانی که به بحران قهرمانی مبتلا اند، به دلایل قومی و زبانی می خواهند عکس های نجیب را بالا کنند و اکثر شان با نجیب و فکر و عقیدۀ کمونیستی او اصلاً مخالف اند ولی دیدن عکس های دیگر، آن را تحریک می کند تا عکس یک رهبر را به اصطلاح بالا کنند!!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم -سال دوازدهم - شمارهٔ سی و هفتم ۷ جدی ۱۳۹۲ ۲۴ صفر المظفر ۱۴۳۵- 28 December 2013

په مصر کې ناقانونه حکومت په ولسواکۍ باور لرونکی ګوند، ترهګر اعلانوي!!

□ رفیق بحر

له کوم وخت څخه چې په مصر کې د رښو ټاکنو له لیارې واک ته رسیدلی ولسمشر دکتور محمد مرسي له واکه ګوښه کړای شوی دی، نو اسلامپالو پلویانو یې د نوموړي بیرته واک ته رسیدلو لپاره خپلو حقو اعتراضونو او لاریونونو ته زور ورکړی او د لویدیځې نړۍ او امریکا لاسپوځي دیکتاتور پوځي حکومت څخه یې لیار ورکه کړې ده. چې بالاخره د الاخوان المسلمون ګوند د سلګونو غړو د شهیدانولو او زرګونو نورو زندانونو ته د اچولو وروسته یې دا پریکړه هم وکړه چې دغه ګوند یو ترهګر (؟) ګوند اعلان کړي.

هسې خو د مصر د دیکتاتور حکومت صدراعظم ((حازم ببلاوي)) لخوا دغه ګوند ته هغه وخت ترهګر ګوند وویلې شو چې کله تیره اونۍ په المنصوره ښار کې د یوې سرتیرې حملې په ترڅ کې د مصري پولیسو شپاړس تنه ووژل شو او له سلو زیات یې ټپیان شو؛ نو مصري حکومت ددغو درنو تلفاتو په ګاللو سره الاخوان المسلمون پدې تورن کړ چې ګویا د داسې پیښو ترشا ولاړ دي؛ پداسې حال کې چې د ترسره شوي برید پړه د ((انصار القدس)) په نوم یوې وړې ډلې په غاړه اخستې ده. خو د مصر د دیکتاتور حکومت لخوا ددې وروستۍ پریکړې (الاخوان المسلمون ترهګر ګوند ګرځول) بنیادي علت دادی چې پوځي او واک غلا کړي حکومت غوښتل؛ د مرسي حکومت په یو کلنه واکمنۍ کې جوړ شوی هغه اساسي قانون چې د ټولپوښتنې له لیارې یې څلور اویا سلنه ملاتړ حاصل کړی وو. پر ځای د پنځوس کسیزې قلابي کمیټې لخوا جوړ شوي اساسي قانون لپاره د جنوري په څوارلسمه او پنځلسمه ټولپوښتنه ترسره کړي.

مګر الاخوان المسلمون وکولای شو چې د مرسي مشروع نظام او اساسي قانون څخه د دفاع لپاره رامینځته شوي اتحاد لخوا داسې پریکړه اعلان کړي چې دوی به په ټولپوښتنه کې ګډون ونکړي؛ چې پدغه اتحاد کې د الاخوان المسلمون ګوند سربیره یو ځل بیا سلفیان او ځینې نور ګوندونه هم شامل دي او دا د الاخوان المسلمون لخوا د حکومتي پریکړې پر خلاف بریالیتوب دی. نو ځکه صدراعظم ببلاوي یې دې ته اړ کړ چې داسې نا معقوله پریکړه وکړي. ولې چې الاخوان المسلمون په سختو ګاللو او مقاومت کې د فولادي ارادې په لرلو سره د مبارزې روښانه او اوږد تاریخ لري؛ جمال ناصر، انور سادات او حسني مبارک یو هم ونشو کولای چې د الاخوان المسلمون په ناقانونه ګرځولو او ددغه ګوند په لسګونو او سلګونو قیادتونه په زندانونو کې غورځولو یا شهیدانولو سره دغه ګوند له مینځه یوسي او یا یې پلویان کم کړي؛ بلکې هر ځل امتحان او سختیو کې واقع کیدلو سره دغه ګوند نور هم پیاوړی شوی دی. او د هغې ثبوت پخپله دا هم دی چې د مرسي له واکه ګوښه کولو وروسته چې عبدالفتاح السیسی دا کار ترسره کړ، ددغه ګوند محبوبیت له پخوا څخه لا زیات شوی دی او د مرسي بیرته واک ته رسولو او مشروع اساسي قانون څخه د ملاتړ اتحاد نور هم پراخه شوی دی.

او بلکې ددې ګوند حقې مبارزې او په ولسواکۍ باور لرلو د نورو عربي دیکتاتورو واکمنانو خوبونه ورک کړي دي او په ولسونو کې یې مخالفین زیات شوي دي؛ چې له همدې امله خو د مرسي له واکه ګوښه کولو په نتیجه کې چې کله په ملیوني لاریونونو کې د الاخوان المسلمون ګوند په پلویانو باندې تشدد او په مظلومانه توګه د مظاهره چیانو او تحصن کوونکو شهیدانولو باندې نړیوال ضمیر وښوریده نو د سعودي او متحده عربي اماراتو واکمنانو السیسي ته له اوباما او فرانسوا هولاند څخه هم زیاته حوصله ورکوله او د دوه زرو شپږسوو لاریون کوونکو په شهیدانولو کې یې ځانونه ورسره شریک کړل؛ چې اسلامي امت به یې له خپلې حافظې څخه کله هم ونه باسي.

دا چې د مصري حکومت وروستۍ پریکړه به څومره آثر ولري او څومره حقیقت لري؟ نو دا ټولې نړۍ ته جوته ده چې الاخوان المسلمون پر تشدد یقین نلري او تل د تشدد غندنه کوي او د ټاکنو او ولسواکۍ له لیارې واک لاسته راوړلو باندې باور لري. او دا ځکه چې د الاخوان المسلمون ګوند په عربي نړۍ او په ځانګړې توګه مصر کې یوازینی اصولي ګوند دی چې په ولس کې ژورې ریښې لري؛ یوازې په مصر کې دغه ګوند له یو ملیون څخه زیات وګړي غړي لري او هم ستر علمي کدرونه او د مقاومت او مبارزې لپاره پاخه قیادتونه لري. که هر څومره دا ډول حربې دیکتاتور مصري رژیم وکاروي نور هم د الاخوان المسلمون د محبوبیت ګراف پورته ځي او پلویان یې ډیریږي؛ ځکه د ازمیښتونو او سختیو سره عادت شوي قیادتونه په داسې پریکړو له خپلو ارادو څخه لاس نه اخلي او پر خلاف یې د السیسي او د هغه د پلویانو ویره نوره هم ډیریږي. خو یوه پوښتنه له دغه نظام څخه کول پکار دي چې که په رښتیا هم د مصري ولس د ملاتړ لرونکي یې لکه چې ادعاء یې کوئ نو ولې ژر ټاکنې نه ترسره کوئ!

دولت و بحران شفافیت!

□ تکساری

اساس یک نظام و دولت اسلامی را: صداقت و راستی، تعامل حکومت و مردم، عدالت اجتماعی، آزادی و رعایت حقوق شهروندان تشکیل می دهند. ابوبکر صدیق "رض"، نخستین خلیفهٔ مسلمانان و در نخستین سخنانش چنین گفت: "صداقت و راستی، کمال امانت است و دروغ کمال خیانت" او در ادامهٔ نخستین خطابه اش تصریح کرد که ضعیف شما نزد من قوی است تا حق او را برایش باز دهم و قوی شما نزد من ضعیف است تا به خواست خدا حق را از او باز ستانم و به صاحب حق باز پس دهم.

در تمام بحث های جامعهٔ مدنی این سخنان ابوبکر صدیق ملاک عمل قرار می گیرد که هیچ حقی تلف نگردد و هیچ زورمندی حق دیگران را تصاحب نه نماید. هر جا حقی تلف می گردد، بدون شک عدالت زیر پا می گردد و مساوات از میان برداشته می شود. در چنین جو سیاسی که عدالت و برابری به بال سیمرغ بسته شده است، تأمین نخواهد شد، چیزی که مردم به دنبال آن سرگردان اند.

عدالت در صورتی تامین می گردد، که بدون توجه به رنگ پوست، زبان و جایگاه اجتماعی افراد، برخورد های عادلانه با ایشان صورت گیرد. اسلام به حاکمان و قاضیان دستور داده تا عدالت را رعایت کنند و در میان مردم به عدل و انصاف حکم نمایند و به این توجه نداشته باشند که داد خواه، دوست آنان است یا دشمن شان؛ فقیر است یا ثروت مند، کارگر است یا کار فرما.

کسانی که امروز خود را مجریان حق و عدالت می دانند، آیا یک روز هم به مفهوم این آیهٔ مبارکه توجه نکرده اند، که گفته است: " همانا خداوند به دادگری و نیکو کاری و بخشش به نزدیکان دستور می دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ (فحشا و منکر) و انجام کار های نا شایست و ستمگری و (تجاوز به حقوق دیگران) نهی می کند. خداوند شما را اندرز می دهد تا پند بگیرید"

سوره نحل: آیهٔ ۹۰

هر قدر ضعف در اداره مستولی گردد فضای اطمینان در میان حاکمیت و مردم بی تاثیر می گردد و در نتیجه پل های ارتباطی مردم و حاکمیت سست و ناتوان می گردد. دین اسلام بر این باور است که گسترش فساد و بی بندباری در جامعه ارزش های دینی را کمرنگ می سازد.

امروز در افغانستان باید یک مبارزهٔ جدی با مفاسد اجتماعی صورت گیرد و حاکم متقی، مدبر و عادل، حاکمی است که برای نهادینه کردن عدالت اجتماعی در میان مردم تلاش می کند. در صورت پیروزی این مبارزه شاهرگ های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه رشد می نماید؛ اما از وجود این حاکمان و مدیران بی تدبیر چنین آرزو های بلند در کوتاه مدت متصور نیست. رسانه های عمومی خبر داده اند که حتا در میان رده های بلند پایهٔ حکومت فساد و بی هنجاری وجود دارد و هر جنایت کار از سوی یکی از صاحبان قدرت حمایت می شود.

امروز در میان کاندیدان ریاست جمهوری، معاونان و اعضای شورای ولایتی شخصیت هایی وجود دارند، که به کار های خلاف قانون مبادرت می ورزند. طوری که دیده می شود این حاکمیت نمی تواند بحران را در کشور مدیریت نماید؛ زیرا این حاکمیت در ایجاد بحران های موجود در کشور کمک نموده است و برای مردم بحران خلق نموده است. این بحران به حد پیش رفته که هزار ها کیلومتر از سرزمین ما، کشور های اروپایی و امریکایی ص۳

بازگشت همه به سوی اوست



شادروان قاری سید کمال الدین خلیلی یکتن از فرماندهان جهادی و قوماندان امنیهٔ ولسوالی تیشکان ولایت بدخشان، چندی قبل به اثر مریضی که عاید حالش بود به عمر ۵۳ سالگی داعی اجل را لبیک گفت. جنازه قبلاً در ولسوالی کشم زادگاه آبایی شان به خاک سپرده شده است.

جهت خُشنودی روح مرحومی مراسم فاتحه خوانی امروز شنبه تاریخ ۷ جدی ۱۳۹۲ در مسجد جامع ابوبکر صدیق واقع مکروریان سوم جوار کلنیک شینو زاده از ساعت ۱–۳ بعد از ظهر از طرف خانوادهٔ مرحومی و بدخشانی های مقیم کابل برگزار می شود. دوستان مطلع باشند.